

شکرالله رومی

01 Aralık 2021

443 - 421

پس از پیروزی مراد بر ابراهیم بیگ در ۸۳۹، با سمت سفیر سلطان برای ابلاغ عفو و ابقای ابراهیم بیگ به آنجا رفت (عاشق پاشازاده، ص ۱۲۱؛ سعدالدین افندی، ج ۱، ص ۳۵۵-۳۵۸، ۳۷۸-۳۸۴؛ قس هامر - پورگشتال^۵، ج ۲، ص ۲۵۴؛ ثریا، ج ۳، ص ۱۵۴، که در این باره مطالبی به اشتباه بیان کرده‌اند). در مأموریت دوم نیز شکرالله در ۸۵۲، برای عرض تبریک و ایجاد اتفاق به دربار جهان‌شاه قراقوینلو^۶ رفت که به تازگی دشمن مشترکشان آق‌قوینلوها را شکست داده و بغداد را تصرف کرده بود (آتسز، ص ۳؛ د.د.ترک، همانجا). شکرالله دوره بازنشستگی خود را در بورسه سپری کرد (ع شکرالله رومی، ۲۰۰۴، همان مقدمه، ص ۱۱). در برخی مآخذ و تحقیقات تاریخ مرگ شکرالله را با اختلاف زیاد ۸۶۴ و ۸۹۴ نوشته‌اند (ع بغدادی، همانجا؛ حسام‌الدین، ج ۳، ص ۲۲۵؛ بروسلی، همانجا)، اما طبق تحقیقات جدیدتر، این تاریخها درست نیست (ع د.د.ترک، همانجا؛ شکرالله رومی، ۲۰۱۱، مقدمه آتسز، ص ۱۸۳) و شکرالله به احتمال زیاد پس از آنکه جامع‌الدعوات را در ۸۶۸ نوشت در بورسه درگذشت و همانجا نیز به خاک سپرده شد (شکرالله رومی، ۲۰۰۴، همان مقدمه، ص ۱۲-۱۴؛ آتسز، ص ۵). آنچه بزخی مآخذ آورده‌اند که شکرالله در استانبول درگذشت و در حظیره آرامگاه شیخ وفا به خاک سپرده شد (ع حسام‌الدین؛ بروسلی، همانجاها؛ ششن^۷، ص ۲۸۵) درست نیست و سبب آن خلط شدن وی با شکرالله شروانی، طبیب ایرانی محمد فاتح، است (ع حیدرزاده، ص ۶۵؛ آتسز، همانجا؛ نیز ع طاشکوپری زاده، ترجمه ترکی، ص ۲۳۶؛ نیز ع ادامه مقاله).

آثار شکرالله رومی به زبان فارسی در زمینه‌های تاریخی و دینی است. معروف‌ترین اثر او بهجة التواریخ است که قدیم‌ترین تاریخ و منبع عثمانی موجود پس از اسکندرنامه، اثر تاج‌الدین ابراهیم احمدی^۸ شاعر دیوانی عثمانی، به‌شمار می‌رود. شکرالله آن را در ۸۶۱-۸۶۳ در سیزده باب نوشت و به محمود پاشا^۹، صدراعظم محمد فاتح، تقدیم کرد (کاپار^۷، ص ۴۳؛ آتسز، ص ۷، ۱۴). این اثر تاریخ تک‌جلدی عمومی و اسلام است که در آن، وقایع تاریخی، از زمان آفرینش تا ۸۵۵ یعنی پایان دوره سلطنت مراد دوم، به ایجاز با زبانی ساده بیان شده‌است (حاجی خلیفه، ج ۱، ستون ۲۵۸؛ شکرالله رومی، ۲۰۰۴، همان مقدمه، ص ۱۶-۱۷). بهجة التواریخ حاوی اطلاعاتی مفید درباره طبقات رجال و جغرافیای قدیم است و فصل پایانی آن به تاریخ عثمانی اختصاص یافته‌است

عزالدین کاشانی، مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه، چاپ عفت کرباسی و محمدرضا برزگر خالقی، تهران ۱۳۸۲ ش؛ عبدالله بن محمد عین‌القضاة همدانی، تمهیدات، چاپ غفیف عسیران، تهران [؟ ۱۳۴۱ ش]؛ محمدبن محمد غزالی، احیاء علوم‌الدین، بیروت ۱۹۹۲/۱۴۱۲؛ همو، منهاج العابدین، بیروت ۱۹۸۹/۱۴۰۹؛ عبدالکریم بن هوازن قسری، الرسالة القشیریة فی علم‌التصوف، چاپ معروف زریق و علی عبدالحمید بلطه‌جی، دمشق ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ محمدبن ابراهیم کلاباذی، متن و ترجمه کتاب تعرف، چاپ محمدجواد شریعت، تهران ۱۳۷۱ ش؛ اسماعیل بن محمد مستملی یخاری، شرح‌التعرف لمذهب‌التصوف، چاپ محمد روشن، تهران ۱۳۶۳-۱۳۶۶ ش؛ جلال‌الدین محمدبن محمد مولوی، کتاب فیہ مافیہ، چاپ بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران ۱۳۶۲ ش؛ احمد نقشبندی خالقی، جامع‌الاصول فی الاولیاء، چاپ ادیب نصرالدین، بیروت ۱۹۹۷. / فریده محرمی /

شکر ← نیشکر

شکرالله رومی، مورخ و دولتمرد عثمانی در میانه قرن

نهم. شکرالله بن شهاب‌الدین احمد بن زین‌الدین زکی الآماسی الرومی، که با نام شکرالله آماسیه‌وی / آماسیه‌ای نیز معروف است (ع بروسلی، ج ۱، ص ۳۳۲؛ شیرینووا^۱، ص ۲۵۹-۲۶۰)، از مقربان معروف مراد دوم^۲ (حک: ۸۲۴-۸۵۵) و همچنین از معتمدان محمد فاتح^۳ (حک: ۸۵۵-۸۸۶) بود (ع شکرالله رومی^۲، ۲۰۰۴، متن فارسی، ص ۱۰؛ طاشکوپری زاده، ص ۵۸؛ بغدادی، ج ۱، ستون ۴۱۹). در برخی منابع و تحقیقات از او با عناوین مولانا شکرالله، شکرالله چلبی و ملاشکرالله هم یاد شده‌است (ع سعدالدین افندی، ج ۱، ص ۳۵۸؛ حسام‌الدین، ج ۱، ص ۴۱۲؛ شیرینووا، ص ۲۵۹). محل تولد شکرالله رومی معلوم نیست و احتمالاً در آماسیه^۴ یا دیورگی^۵ (در استان سیواس) به دنیا آمده باشد (ع شکرالله رومی، ۲۰۰۴، مقدمه آلماز^۳، ص ۱۰؛ آتسز^۴، ص ۲-۱). البته از آنجا که به نوشته خود شکرالله (ع ۲۰۰۴، متن فارسی، ص ۳۵۴-۳۵۵) ۵۱ سال از دوران خدمتش، از ۲۲ سالگی تا پایان نوشتن بهجة التواریخ در ۸۶۳، در دستگاه عثمانی سپری شده بود، گفته می‌شود که وی در ۷۹۰ به دنیا آمد. شکرالله در زمان مراد دوم به صنف علمیه پیوست و سپس به قضاوت شهر بورسه^۶ منصوب شد (آتسز، ص ۲؛ د.د.ترک، ذیل «شکرالله»). او چنان ترقی کرد که به‌ویژه در دوران مراد دوم، مشاور خاص او شد و دو بار به وی وظیفه دیپلماتی محول گردید: در مأموریت نخست، در پی سرکشیهای طولانی ابراهیم بیگ، حاکم شورشی ایالت قره‌مان^۷، شکرالله

1. Şirinova

2. Şükullah Rûmî

3. Almaz

4. Atsız

5. Joseph von Hammer - Purgstall

6. Şeşen

7. Kaçar

early Islamic community, and the Umayyad and Abbasid caliphates with Creation, the Old Testament prophets, and the ancient Iranian kings.¹⁶ Universal histories sought to integrate Islamic history into the broader framework of world history, as well as provide a narrative demonstrating the place of a new dispensation or dynasty, the patron of the work, in the overall Islamic order.¹⁷ Ottoman world histories in particular followed the general pattern established in the Persianate world, presenting a chain of Iranian and Turko-Iranian states recognizing Abbasid authority. The earliest accounts of the Ottomans composed in this period consist of the final sections of two world histories written only a few years apart: Shokr-Allâh's Persian *Bahjat-al-tavârikh* composed in 1459, and Enveri's Turkish *Düsturnâme*, dating from 1464. Both works were patronized by Mehmed II's grand vizier Mahmud Pasha, and both drew upon Qâdi Beyzâvi's Persian universal history, but in different ways: whereas Beyzâvi constituted only one of Shokr-Allâh's many sources, it was Enveri's primary source for his narrative up to the end of the Mongol period.¹⁸ The similarities between the two works, however, end here. Written in a simple Turkish vernacular verse clearly meant to be recited, Enveri's work must have appealed to audiences lacking even the most rudimentary education. Composed after Mahmud Pasha's military successes against Lesbos, Imbros and Samothraki, Aegean

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

01 Aralık 2021

- 16 Hayrettin Yücesoy, "Ancient imperial heritage and Islamic universal historiography: al-Dinawari's secular perspective," *Journal of Global History* 2 (2007), pp. 135-55.
- 17 Julie Scott Meisami, *Persian Historiography to the End of the Twelfth Century* (Edinburgh, 1999), pp. 9, 69.
- 18 Enveri explains that he composed this work because the Sultan Mehmed II lacked a "tevärikh-i müluk," such as that by Beyzâvi. Examination of the contents of Enveri's world history reveals the author's heavy reliance on Beyzâvi, including a chapter on the Salghurids; Mükrimin Halil Yınanç, ed., *Düsturname-i Enveri* (Istanbul, 1929), pp. 4-5. See also Necdet Öztürk, ed., *Fatih Devri Kaynaklarından Düsturnâme-i Enveri, Osmanlı Tarihi Kısmı, 1299-1465* (Istanbul, 2003).

islands off the Anatolian coast, Enveri's *Düsturnâme* likewise recounts the Aegean exploits of the 14th-century Turkish *ghâzis* under the leadership of the Aydinid ruler Umur Ghâzi. By situating Mahmud Pasha's conquests in the Aegean within a historical narrative of the earlier exploits of Turkish *ghâzis*, or holy warriors, Enveri presents the conquests of the Aydin principality as a precedent, and thus useable past for the Ottomans.¹⁹ Shokr-Allâh's more detailed Persian prose universal history, on the other hand, was directed toward a learned audience. Whereas Enveri's appeal to the ideology of *ghazâ*, or holy war, is limited to reference of military exploits by past *ghâzis*, in contrast, Shokr-Allâh's treatment of this warfare took on metaphysical dimensions.

Şükriyyah

182024

Shokr-Allâh's Persian *Bahjat-al-tavârikh* (1459): Universal Islamic History and the Cosmological Underpinnings of Ottoman Ghâzi Ideology

The *Bahjat-al-tavârikh* by Mowlânâ Shokr-Allâh (1388—d. after 1464), the *qâdi*, or religious magistrate, of Bursa, was one of the earliest historical accounts dealing with the Ottomans historically, and the first Ottoman history written in Persian. Composed in the format of an Islamic world history and ending with Mehmed II's accession to the throne in 1451, the work was commissioned by Mahmud Pasha in 1456, following his appointment to the grand vizierate.²⁰ Although the bulk of Shokr-Allâh's history deals with pre-Ottoman Islamic lore and history, and its relation to non-Islamic tradition, all scholarly attention has been directed to the work's relatively brief presentation of Ottoman history, valued primarily as an early source rather than as a comprehensive

- 19 Theoharis Stavrides, *The Sultan of Vezirs: The Life and Times of the Ottoman Grand Vezir Mahmud Pasha Angelović, 1453-1474* (Leiden, 2001), pp. 193-95, 294-96.
- 20 Stavrides, *Sultan of Vezirs*, pp. 3-4, 294-96; M. Şehabeddin Tekindağ, *İslam Ansiklopedisi* (hereafter *İA*), s.v. Mahmud Paşa.